رویش روان شناسی، سال۱۰، شماره۱۲، شماره پیاپی ۶۹، اسفند ۱۴۰۰
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),10(12), 2022

ارزیابی مدل علی خرد بر اساس پنج عامل بزرگ شخصیت با نقش واسطه ای نیازهای بنیادین روانشناختی در دانشجویان

The Evaluation of a causal model of wisdom based on big five Factors of personality with the mediating role of basic psychological needs in university students

عاشور محمد کوچکی
دانشجوی دکتری روان شناسی،گروه روان شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
دکتر کاظم شریعت نیا(نویسنده مسئول)
استادیار گروه روانشناسی،دانشکده علوم انسانی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.
دکتر جوانشیر اسدی
استادیار گروه روانشناسی،دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
دکتر ارسطو میرانی
استادیار گروه روانشناسی،دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Ashour Mohammad Kouchaki
PhD Student of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Human science, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
Dr. KazemShariatnia*
Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Human science, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran.
kazemshariatnia@yahoo.com
Dr. JavanshirAsadi
Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Human science, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.
Dr. ArastooMirani
Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Human science, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارزیابی مدل علی برای خرد بر مبنای پنج عامل بزرگ شخصیت با نقش واسطه ای نیازهای بنیادین روان شناختی در میان دانشجویان بود. طرح پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی و به روش مدلیابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان مقاطع کارشناسی و کاشناسی ارشد سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ دانشگاه های استان گلستان بودند. از میان این جامعه نمونه ای متشکل از ۳۵۶ نفر دانشجوی دختر و پسر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. به منظور گرد آوری داده ها از پرسشنامه های ویژگی های شخصیتی نئو (فرم کوتاه)(NEO-PI)(۱۹۹۶)، مقیاس نیازهای بنیادین روان شناختی گاینه(BNGS)(۲۰۰۳) و پرسشنامه سه بعدی خرد آردلت(3D-WS)(۲۰۰۳)استفاده شد. داده ها با استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری(SEM) و با نرم افزار لیزرل نسخه (۸.۷۱) مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که در اغلب شاخص های برازش، مدل ساختاری خرد از برازش مناسب و قابل قبولی برخوردار است. مطابق با نتایج پژوهش روان رنجوری با خرد رابطه منفی(۰/۵۸-)، برون گرایی(۰/۴۴)، تجربه پذیری(۰/۳۳)، و ارضای نیازهای بنیادین(۰/۴۹) با خرد رابطه مثبت و معنی دار داشتند (P<۰/۰۱). در مجموع توانستند ۴۱ درصد از واریانس متغیر خرد را پیش بینی و تبیین نمایند. بنا بر این به نظر می رسد که خرد می تواند به عنوان یک ویژگی شخصیتی در نظر گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: *خرد، دانشجویان، پنج عامل بزرگ شخصیت، نیازهای بنیادین روان شناختی*

Abstract

The aim of this study was to evaluate the causal model for wisdom based on the five factors of personality with the mediating role of psychological basic needs in students. the method of the present study was descriptive-correlational using a structural equation model. The statistical population of this study was undergraduate and graduate students of the academic year 2020-2021 in Golestan province. from this population, a sample of 356 male and female students was selected using stepwise cluster sampling.in order to collect data, the NEO Personality Traits Questionnaire (NEO-PI), the Guinea Psychological Basic Needs Scale, and Ardelt`s three-dimensional Wisdom Scale (3 D-WS) were used. Data were analyzed using the structural equation modeling (SEM) method and the LISREL software version (8.71). The results showed that in most of the fit indices, the structural model for wisdom has a suitable and acceptable fit. According to the research results, neuroticism was negatively correlated to wisdom(-0.58), extroversion(0.44), openness to experience(0.33), and psychological basic needs(0.49) positive significantly correlated with wisdom at the alpha level (0.01) and in total 41% of the variance of the wisdom is predicted and explained by these variables. Therefore, wisdom can be considered a personality trait.

Keywords: *Wisdom, students, Five Factor Model, Psychological Basic Needs*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : مرداد ۱۴۰۰** **پذیرش: مهر ۱۴۰۰** **ویرایش نهایی: اسفند ۱۴۰۰**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]

مقدمه

دانشگاه به عنوان سازمان یافته ترین بخش نهاد آموزش، همواره جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده و وظیفه اصلی تولید علم را به عهده گرفته است. یکی از رسالت های آموزش عالی پاسخگویی به نیازهای گوناگون و روز افزون جامعه بشری است. نگاهی به روابط بین ملت ها، تعارضات، جنگ ها، تخریب جنگل ها، انقراض گونه ها، مسایل قومی و نژادی و مذهبی بیانگر این واقعیت است که جهان به مدیریت خردمند نیازمند است(استرنبرگ[1]، ۲۰۱۸). با آنکه حافظه و بهره هوشی برای کسب موفقیت تحصیلی دارای اهمیت هستند به نظر می رسد مهارت هایی همچون خردمندی در جهانی که به سرازیری ویرانی و تخریب خود افتاده است دارای اهمیت زیاد تری باشد. به طور مثال افرادی که از مهارت های شناختی برای رسیدن به اهداف خود خواهانه استفاده می کنند، ممکن است افراد خلاق و با هوشی باشند ولی قطعا خردمند نیستند(قربانی و یوسفی، ۱۳۹۷). با توجه به این نکته که خرد می تواند برای مدیریت بهتر جهان کنونی که با مشکلات زیادی روبرو است، راه حل های بالقوه ای را فراهم نماید، وظیفه دانشگاه ها تربیت دانشجویانی خرد مند است که بتوانند به جوامع کمک کنند تا جهان را بهتر مدیریت نمایند(استرنبرگ، ۲۰۱۸).

درک و سنجش خرد[2] و شناخت عوامل تاثیر گذار بر آن، یکی از مهم ترین زمینه های پژوهش روان شناختی در سالهای اخیر بوده است(کارلیتز[3] و دیگران، ۲۰۱۰؛ استادینگر و گلوک[4]، ۲۰۱۱). در طی قرون مختلف و فرهنگ های گوناگون نیز به آن به عنوان یکی از بالاترین فضایل نگاه شده است(والش و ریمز[5]، ۲۰۱۵). خرد مفهومی پیچیده است که علیرغم دشواری در تعریف آن بین پژوهشگران و صاحب نظران این حوزه نوعی توافق کلی وجود دارد، مبنی بر اینکه خرد را مفهومی مبتنی بر دانش شناختی، درک و بینش عمیق، داشتن تفکر تاملی و تلفیقی از در نظر گرفتن منافع فردی در تعامل با منافع دیگران می دانند(آردلت[6]، ۲۰۱۱). مدل سه بعدی خرد یکی از شناخته شده ترین الگوهای نظری در حوزه خرد است که توسط مونیکا آردلت(۲۰۰۳) بر اساس پژوهش کلایتون و بیرن[7](۱۹۸۰) تدوین شده است. طبق این الگو خرد به عنوان یک ویژگی شخصیتی تعریف می شود که در آن سه بعد شناختی، تاملی، و عاطفی با یکدیگر یکپارچه شده اند.

بعد شناختی[8]، شامل توانایی فرد در درک زندگی و میزان دانش او در این باره است. درک پدیده ها و رویدادها و معنای اصلی و عمیق آنها به ویژه با توجه به مسایل درون فردی و بین فردی. بعد شناختی دانش درباره جنبه های مثبت و منفی طبیعت بشر، محدودیت ذاتی این دانش و غیرقابل پیش بینی بودن و عدم قطعیت زندگی است خردمند با وجود اینکه می داند ماهیت انسان و پدیده زندگی با ابهام همراه است، مشتاق است موقعیت ها و شرایط را به طور عمیق بفهمد مهارتی که نیاز به توانایی های مرتبط با بعد تأملی دارد(آردلت، ۲۰۰۳، و کرد نوقابی، ۱۳۹۶).

بعد تأملی[9] تلاش برای دیدن واقعیت ها آنطور که هستند و عدم ایجاد تحریف عمده در آن ها. برای این کار فرد باید بتواند پدیده ها را از چشم انداز های گوناگون ببیند و این باعث رشد خود آگاهی می شود. به این معنا که بینش فرد را از خودش افزایش می‌دهد. بنابراین درک می کند که ممکن است دیدگاه او تنها دیدگاه موجود نباشد و دیگران نظر متفاوتی داشته باشند. او چون خود را می‌شناسد قادر است بین چشم انداز های خود و دیگر چشم انداز ها تمایز قائل شود و با این شیوه به حقیقت موجود در پدیده ها نزدیک تر شود. نتیجه این چنین رشدی کاهش خودمحوری، ذهنیت گرایی، فرافکنی، افزایش بینش فرد در مورد ماهیت واقعی پدیده ها و نیز درک انگیزه رفتار ها در خود و دیگران خواهد بود(کرد نوقابی، ۱۳۹۶).

بعد عاطفی[10] کاهش خودمحوری و درک بهتر رفتار مردم منجر به بهبود هیجانات و طرز برخورد فرد با دیگران می شود و همدلی و شفقت را بیشتر می کند. بعد عاطفی شامل وجود هیجانات مثبت نسبت به دیگران و رفتارهای دلسوزانه و همدلانه با آنها و نیز عدم بی

1-Strenberg
2-wisdom
3-Karlitz
4-Staudinger and Gluck
5-Walsh & Reams
6-Ardelt
7-Clayton and Biren
8-cognitive
1-reflective
2-affective

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]

تفاوتی و نداشتن هیجانات و رفتار های منفی نسبت به دیگران است. خردمند ضمن اینکه با کسی سر جنگ ندارد نسبت به دیگران و زندگی آنها درد و رنجشان بی تفاوت نیست. آردلت(۲۰۰۳) معتقد است که وجود هرسه بعد خرد در یک فرد لازم است تا بتوان او را خردمند نامید.

ارتباط بین عوامل شخصیتی و خرد از سوی پژوهشگران مختلف مورد بررسی قرار گرفته و نتایج نشان دادند که بخشی از واریانس های خرد به وسیله عامل های شخصیتی قابل تبیین است و سهم این عوامل در پیش بینی خردمندی در دوره های مختلف رشد تغییر می کند(استادینگر، دورنر، و مایکلر[1]، ۲۰۰۵). پژوهش های دیگری نشان می دهند که خرد همبستگی مثبت و معنی داری با گشودگی به تجربه، توافق پذیری، قدردانی، بخشش، تسلط، بهزیستی ذهنی، هدف زندگی، سلامت ذهنی، و روابط منفی با علائم افسردگی، اجتناب از مرگ و احساس فشار اقتصادی و روان رنجوری دارد(قربانی و خرمایی، ۱۳۹۷). اما در این میان انتظار می رود که عوامل شخصیتی نه تنها به طور مستقیم بلکه به واسطه عوامل انگیزشی در خرد تاثیر گذار باشند. یکی از عوامل انگیزشی اساسی نیازهای بنیادین روانشناختی هستند که می توانند نقش مهمی در شکل گیری خرد داشته باشند.

نظریه نیازهای بنیادین روان شناختی یک خرده نظریه در دیدگاه خود تعیین گری است که در قلب تمام خرده نظریه های آن قرار دارد. بر این اساس سه نیاز بنیادی ذاتی و همگانی در انسان وجود دارد که برآورده کردن آن ها بهزیستی و رفتار مثبت افراد را ارتقاء می بخشد(بوش[2]، ۲۰۱۴؛ چانگ[3] و همکاران، ۲۰۱۴؛ چن ونستینکیت بیرز[4] و همکاران، ۲۰۱۵). این نیازها شامل خود مختاری[5]، شایستگی[6]، و ارتباط[7] (احساس تعلق گروهی) است. مطالعات نشان داده ارضای این سه نیاز، نقش مهمی در کل زندگی و حیطه های خاص اعم از فعالیت های ورزشی، ارتباطات بین فردی، رضایت شغلی، یادگیری و تحصیل و هر حیطه ای دیگر بازی می کند(لادردیل یلی پیپاری[8] و همکاران، ۲۰۱۵؛ دسی، اولافسین و ریان[9]، ۲۰۱۷). ارضای این نیازها سلامت روانی و رشد فردی را در تمام گروه ها ارتقاء می بخشد. از سویی دیگر ناکامی در برآورده کردن این نیازها با آسیب های روانی مانند خلق افسرده همراه است (نشیمورا و سوزوکی[10]، ۲۰۱۶).

با توجه به دیدن خرد یا خردمندی به عنوان نقطه ای پایانی و ایده آل در رشد انسان(استادینگر و گلوک، ۲۰۱۱) و اهمیت موضوع خردمندی در دوره های تاریخی مختلف و شروع تحقیقات روانشناختی در مورد خرد در سالهای اخیر، بررسی عوامل پیش بینی کننده خرد به منظور رسیدن به پیامدهای مثبت آن ضروری به نظر می رسد. علاوه بر این لزوم توجه به ارتقاء سطح خرد و خرد ورزی در دوران دانشجویی که یکی از بهترین دوران های زندگی است انجام چنین پژوهشی ضروری می نماید. مضاف بر این، در بررسی پیشینه تجربی خرد، پژوهشی در برگیرنده متغیرهای مد نظر در این پژوهش (یعنی؛ خرد، ویژگی های شخصیتی و نیازهای بنیادین روانشناختی) یافت نشد. لذا پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مدل علی برای خرد بر مبنای پنج عامل بزرگ شخصیت با نقش واسطه ای نیازهای بنیادین روان شناختی در میان دانشجویان انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی به روش مدل یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه های استان گلستان بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در یکی از دانشگاه ها ثبت نام کرده و مشغول به تحصیل بودند. تعیین حداقل حجم نمونه لازم برای گردآوری داده های مربوط به مدلیابی معادلات ساختاری بسیار با اهمیت است. یکی از این روش ها روش برآورد حجم نمونه سرانگشتی کلاین است که ۲/۵ موردکمینه و ۵ مورد بیشینه براساس گویه‌های پرسش نامه می‌باشد (کلاین[11]، ۲۰۱۰). با

3-Dorner and Michler
4-Busch
5-Chang
6-Chen vensteenkistebeyers
7-autonomy
8-competence
9-relatedness
10-Lauderdale Yli-Piipary
1-Deci, Olafsen and Rayan
2-Nishimura and Suzuki
3-Kline

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]

توجه به اینکه در پرسشنامه های اصلی مورد استفاده در این پژوهش تعداد ۱۲۰ گویه اصلی وجود داشت، برای پژوهش حاضر حداقل ۳۰۰ و حد اکثر ۶۰۰ نمونه مورد نیاز بود. حجم نمونه مورد بررسی در این پژوهش ۳۵۶ نفر بود که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی- خوشه ای انتخاب شدند. به این ترتیب که ابتدا تعدادی از دانشگاههای استان با استفاده از قرعه کشی انتخاب شدند و از میان دانشکده های موجود در آن دانشگاه ها یک دانشکده و از میان کلاس های دانشکده تعدادی کلاس انتخاب شدند. سپس با هماهنگی اساتید کلاس ها، لینک پرسشنامه در گروههای مجازی کلاس ها گذاشته شد و از دانشجویان خواسته شد که پرسشنامه را تکمیل نمایند. ملاک ورودی عبارت بودند از: دانشجو بودن، اختیاری بودن مشارکت در پژوهش، حضور در کلاس های آنلاین و تکمیل کامل پرسشنامه. خالی گذاشتن تعدادی از پرسش ها باعث خروج دانشجویان از مطالعه در نظر گرفته شد. برای رعایت مسایل اخلاقی وکسب رضایت آنان در ابتدای پرسشنامه نامه ای تدوین شد و جواب آزمون ها از طریق ایمیل برای دانشجویان علاقمند ارسال شد. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه(۲۱) و نرم افزار لیزرل نسخه(۸/۷۱) مورد تحلیل قرار گرفتند.

ابزار سنجش

پرسشنامه شخصیتی نئو(NEO-PI-R[1]) : این پرسشنامه به منظور اندازه گیری پنج عامل اصلی شخصیت شامل؛روان رنجوری[2](N)، برون گرایی[3](E)، تجربه پذیری[4](O)، توافق پذیری[5](A)، و مسئولیت پذیری[6](C) توسط کاستا و مک کرای در سال ۱۹۷۸ تدوین شد و در سالهای ۱۹۸۵، ۱۹۹۲، و ۲۰۰۵ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این پرسشنامه در دو فرم بلند ۲۴۰ سوالی و فرم کوتاه ۶۰ سوالی معرفی شده است. این ابزار ابعاد شخصیت را به صورت لیکرت پنج درجه ای از کاملا مخالفم(۵)، مخافم(۴)، نظری ندارم(۳)، موافقم(۲)، و کاملا موافقم(۱) می سنجد. کاستا و مک کرا (۱۹۹۲) برای بررسی پایایی فرم کوتاه پرسشنامهNEO با استفاده از باز آزمایی کوتاه مدت سه ماهه انجام دادند ضرایب همبستگی برای روان رنجوری(۰/۸۳)، برون گرایی(۰/۷۵)، تجربه پذیری(۰/۸۰)، توافق پذیری(۰/۷۹)، ومسئولیت پذیری(۰/۷۹) را گزارش کردند که نشان دهنده اعتبار مناسب پرسشنامه است. برای بررسی روایی پرسشنامه اجرای همزمان با فرم بلند مورد استفاده قرار گرفت که همبستگی بین فرم کوتاه و فرم بلند از ۰/۷۵ برای مسئولیت پذیری تا ۰/۸۹ برای روان رنجوری متغیر بود. در پژوهشی که توسط انیسی و همکاران(۱۳۹۰) انجام شد اعتبار نسخه فارسی این پرسشنامه با استفاده از روش باز آزمایی کوتاه مدت، ضرایب همبستگی برای عامل روان رنجوری (۰/۸۴)، برونگرایی(۰/۸۲)، تجربه پذیری(۰/۷۸)، توافق پذیری(۰/۶۵)، و مسئولیت پذیری(۰/۸۶) را گزارش کردند. بررسی روایی همزمان پرسشنامه نئو با پرسشنامه آیسنک نشان داد که ضریب همبستگی بین مقیاس های روان رنجوری(۰/۶۸) و برونگرایی(۰/۴۷) در هر دو پرسشنامه بودند. در پژوهش حاضر فرم کوتاه ۶۰ سوالی نسخه ۱۹۸۵ پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. در مطالعه حاضر پایایی آزمون از طریق آلفای کرونباخ برای عامل روان رنجوری(۰/۸۷)، عامل برون گرایی(۰/۸۵)، عامل تجربه پذیری(۰/۷۵)، عامل توافق پذیری(۰/۸۱) و عامل مسئولیت پذیری(۰/۸۸) محاسبه شد.

پرسشنامه ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی عمومی (BNSG-S[7]): این پرسشنامه ۲۱ سوالی به منظور ارزیابی ارضای نیازهای بنیادین به طور کلی توسط گنیه[8] در سال (۲۰۰۳) معرفی شده است.گویه های آزمون سه زیر مقیاس متمایز خودمختاری، شایستگی، و تعلق را در اندازه های هفت درجه ای لیکرت از نمره یک (اصلا درست نیست) تا نمره هفت(کاملا درست است) می سنجد(گنیه، ۲۰۰۳). کمینه نمره ۲۱ و بیشینه نمره ۱۴۷ می باشد. نمره بالاتر نشان دهنده میزان ارضای آن نیازاست. همسانی درونی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ از ۰/۶۱ تا ۰/۸۱ برای زیر مقیاس خودمختاری، از ۰/۶ تا ۰/۸۶ برای زیر مقیاس شایستگی، از ۰/۶۱ تا ۰/۹ برای زیر مقیاس ارتباط در پژوهش هایی مورد تایید قرار گرفته است. رابطه همبستگی زیرمقیاس های آزمون با آزمون رضایت از زندگی به عنوان روایی بیرونی مورد بررسی قرار گرفته و رابطه بین خودمختاری و رضایت از زندگی(r=۰/۵۰)، شایستگی و رضایت از زندگی(r=۰/۵۹)، ارتباط و رضایت از زندگی (r=۰/۵۷) گزارش شده است(جانستون و فینی[9]، ۲۰۱۰). در ایران این مقیاس

4-Neo Personality Inventory-Revised
5-neurotocism
6-extraversion
7-openness to experience
8-agreeableness
9-consciousness
1-Basic Needs Satisfaction in General Scale(BNSG-S)
2-Gagne
3- Johnston and Finney

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]

توسط بشارت و رنجبر کلاگری(۱۳۹۲) ترجمه و روایی و پایایی آن مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج بیانگر آن است که تحلیل عاملی نشان دهنده سه عامل متمایز خودمختاری، شایستگی، و تعلق(ارتباط) را برای این مقیاس تایید کردند. روایی همگرای پرسشنامه از طریق محاسبه همبستگی با مقیاس بهزیستی روان شناختی برای خودمختاری(۰/۳۱)، شایستگی(۰/۳۷)، و ارتباط(۰/۲۴) گزارش شده است که در سطح آلفای (۰/۰۰۱) معنی دار بوده است. همسانی درونی مقیاس بر حسب ضرایب آلفای کرونباخ از ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ مورد تایید قرار گرفت. پایایی بازآزمایی مقیاس از ۰/۶۷ تا ۰/۷۷ برای زیر مقیاسه های مختلف مورد تایید قرار گرفت و گزارش شده است که فرم فارسی این مقیاس برای سنجش ارضای نیازهای بنیادین عمومی در جامعه ایرانی از روایی و پایایی کافی بر خوردار است. در پژوهش حاضر پایایی آزمون از طریق آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس خودمختاری(۰/۷۴)، زیرمقیاس شایستگی(۰/۷۰)، زیر مقیاس ارتباط(۰/۸۴) و برای کل مقیاس(۰/۷۷) محاسبه شد.

پرسشنامه سه بعدی خرد آردلت (3D-WS[1])(۲۰۰۳): این مقیاس برای سنجش سه بعد شناختی، عاطفی و تاملی خرد در سال (۲۰۰۳) توسط آردلت تدوین شده و شامل ۳۹ گویه در فرمت لیکرت ۵ نمره ای است که ۱۴ گویه بعد شناختی، ۱۳ گویه بعد عاطفی، و ۱۲ گویه بعد تاملی خرد را می سنجد. گویه های ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۳۲، و ۳۵ به صورت معکوس و بقیه به صورت مستقیم نمره گذاری می شود. پایایی این مقیاس بر روی ۴۷۷ دانشجوی دانشگاه محاسبه شده و نتایج محاسبه آلفای کرونباخ برای ابعاد شناختی ۰/۷۱ ، عاطفی ۰/۸۱ ، و تاملی ۰/۸۰ گزارش شده است. برای بررسی روایی سازه این مقیاس نتایج یک تحلیل عاملی از مولفه های اصلی خرد با چرخش پروماکس در نمونه ای از دانشجویان، بارهای عاملی برای ابعاد شناختی(۰/۷۹)، تاملی(۰/۸۰)، و عاطفی(۰/۸۱) را نشان داده است. شاخص های کلی برازش نشان دادند که مدل سه عاملی در نمونه دانشجویی از برازندگی خوبی برخوردار است(آردلت و اوه[2]، ۲۰۱۰). مرادی و همکاران (۱۳۹۷) در ایران پایایی مقیاس را با استفاده از دو روش همسانی درونی و باز آزمایی با فاصله دوهفته را مورد مطالعه قرار دادند. ضریب همبستگی نمرات آزمودنی ها برای ابعاد شناختی ۰/۸۹، عاطفی ۰/۸۱، و تاملی ۰/۷۴، و کل مقیاس ۰/۸۶ محاسبه شد. ضرایب آلفای کرونباخ نیز پس از اجرای اصلی برای ابعاد شناختی۰/۶۶، عاطفی ۰/۵۸، و تاملی ۰/۷۴ به دست آمده است. روایی مقیاس با اجرای تحلیل عامل تاییدی مورد بررسی قرار گرفت. شاخص های محاسبه شده بیانگر وضعیت قابل قبول برازش مدل لندازه گیری بودند(χ^2/df =۲/۳۳ ، RMSEA=۰/۰۵، CFI =۰/۹۶). در پژوهش حاضر پایایی مقیاس از طریق آلفای کرونباخ برای بعد شناختی ۰/۷۰، برای بعد تاملی ۰/۶۲، برای بعد عاطفی ۰/۵۰، و برای کل مقیاس ۰/۷۸ محاسبه شد.

یافته ها

شرکت کنندکان در این پژوهش ۳۵۶ نفر دانشجوی دختر(۱۹۵ نفر یعنی۵۴/۸ درصد) وپسر(۱۶۱ نفر یعنی ۴۵/۲ درصد) با میانگین سنی (۳/۳± ۲۳/۱۴ سال) و از رشته های پزشکی(۳/۷ درصد)، پیرا پزشکی(۱۲/۴ درصد)، کشاورزی و منابع طبیعی(۵/۳ درصد)، علوم پایه(۸/۴ درصد)، فنی و مهندسی(۱۹/۱ درصد)، علوم انسانی(۵۱/۱ درصد) دانشگاه های استان گلستان بودند. اطلاعات توصیفی(میانگین و انحراف معیار، و ماتریس همبستگی ساده) متغیرهای پژوهش در جدول شماره(۱) آورده شده است.

جدول شماره(۱) : میانگین و انحراف معیار و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	۱.خردمندی	۲.روان رنجوری	۳.برونگرایی	۴.تجربه پذیری	۵.توافق پذیری	۶.مسئولیت پذیری	۷.نیازهای بنیادین روانشاختی
۱	خردمندی	۱۱۲/۵	۱۴/۱	۱						
۲	روان رنجوری	۲۵/۰۹	۸/۸	-۰/۴۳۸ **	۱					
۳	برونگرایی	۳۱/۶۳	۸/۵	۰/۳۱ **	۰/۰۷۱	۱				

4-Tree Dimensional Wisdom Scale (3DWS)

5-Oh

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]

۴	تجربه پذیری	۳۰/۳	۷/۲	۰/۶۸ **	۰/۳۵۸ **	۰/۵۲۱ **	۱		
۵	توافق پذیری	۳۳/۲۱	۸/۳	۰/۰۴۷	۰/۱۷۹ **	۰/۶۸۶ **	۰/۶۱۶ **	۱	
۶	مسئولیت پذیری	۳۷/۳۹	۹/۲	-۰/۰۲۷	- ۰/۱۰۴ *	۰/۷۲۴ **	۰/۵۳۸ **	۰/۷۱۹ **	۱
۷	نیازهای بنیادین روانشناختی	۸۵/۴	۲۲/۸	۰/۳۵۲ **	۰/۲۹۸ **	۰/۳۹۱ **	۰/۴۰۱ **	۰/۳۷۸ **	۰/۴۱۵ **	۱
				P = ۰/۰۵*		P = ۰/۰۱**		n =۳۵۶	

اطلاعات مندرج در جدول شماره(۱) نشان می دهد که اکثر متغیرهای پژوهش با هم رابطه همبستگی ساده را در سطوح معنی داری (۰/۰۵) و (۰/۰۱) بیان می کنند.

پیش فرض های مدل یابی معادله ساختاری (SEM) بررسی شد. برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش شاخص های کجی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفت، به این ترتیب که برای متغیر خرد مقدار کجی(۰/۱۴-) و مقدار کشیدگی(۰/۰۳-)، برای متغیر روان رنجوری مقدار کجی(۰/۲۸) و مقدار کشیدگی(۰/۰۴-)، برای متغیر برونگرایی مقدار کجی(۰/۲۸) و مقدار کشیدگی(۰/۲۹-)، برای متغیر تجربه پذیری مقدار کجی(۰/۴۵) و مقدار کشیدگی(۰/۰۸-)، برای متغیر توافق پذیری مقدار کجی(۰/۴۲) و مقدار کشیدگی(۰/۲۸-)، برای متغیر وظیفه شناسی مقدار کجی(۰/۲۹) و مقدار کشیدگی(۰/۴۴-) و برای متغیر نیازهای بنیادین روانشناختی مقدار کجی(۰/۰۹-) و مقدار کشیدگی(۰/۳۸-) بودکه شاخص ها در بازه(۱±) قرار داشتند و بیانگر نرمال بودن داده ها بودند. برای بررسی عدم وجود هم‌خطی چندگانه بین متغیرها از شاخص‌های VIF و Tolerance استفاده شده است. نتایج نشان داد تمامی مقادیر VIF برای روان رنجوری(۱/۵۱)، برونگرایی(۲/۵۸)، تجربه پذیری(۲/۰۳)، توافق پذیری(۲/۸۵)، مسئولیت پذیری(۲/۸۵)، و نیازهای بنیادین روانشناختی(۱/۴۲) بود. مقدار شاخص تحمل محاسبه شده برای متغیرهای روان رنجوری(۰/۵۳)، برون گرایی(۰/۳۹)، تجربه پذیری(۰/۴۹)، توافق پذیری(۰/۳۵)، و نیازهای بنیادین روانشناختی(۰/۸۵) بود. با توجه به اینکه VIF محاسبه شده کمتر از ۱۰و هیچ‌کدام از مقادیر Tolerance بزرگتر از ۱ نیست. پس می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرها هم‌خطی چندگانه وجود ندارد. برای تجزیه وتحلیل اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری[1](SEM) و با نرم افزار لیزرل نسخه(۸/۷۱) مورد تحلیل قرار گرفت. شکل شماره(۱) ضرایب استاندارد و اصلاح شده و معنی داری روابط بین متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

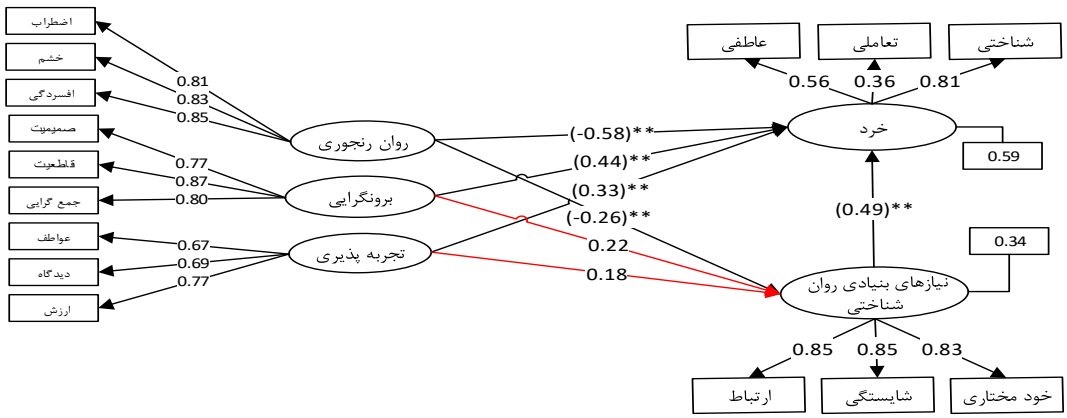

شکل شماره(۱): ضرایب استاندارد و معنی داری مدل اصلاح شده تاثیر پنج عامل بزرگ شخصیت با واسطه گری نیازهای بنیادین روان شناختی بر خرد در میان دانشجویان

1- Structural Equation Modeling

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]

با توجه به مدل معادلات ساختاری خرد مندی و خلاصه ضرایب رگر سیون استاندارد شده در شکل (۱) این نتیجه به دست آمده که روان رنجوری با ضریب رگرسیون(۰/۵۸-)، برون گرایی با ضریب رگر سیون (۰/۴۴)، تجربه پذیری با ضریب رگرسیون (۰/۳۳)، و نیاز های بنیادین روان شناختی با ضریب رگرسیون (۰/۴۹) توانسته اند به طور معنی داری ۴۱ درصد خردمندی را پیش بینی و تبیین نمایند. بنابراین متغییرهای روان رنجوری، برونگرایی، و تجربه پذیری و نیاز های بنیادین روانشناختی قابلیت پیش بینی خردمندی را دارند. همینطور عامل روان رنجوری به صورت منفی با ضریب(۰/۲۶-) بر روی نیازهای بنیادین روانشناختی تاثیر داشته است و بقیه متغیرها اثر گذار نبودند. اثرات مستقیم هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بررسی شده نتایج در جدول شماره(۲) آوده شده است.

جدول شماره(۲): مقدار ضرایب مستقیم بین عوامل شخصیتی ونیازهای بنیادین روانشناختی با خرد

متغیر مستقل		متغیر وابسته	ضریب اثر مستقیم	Sig
روان رنجوری	←	نیازهای بنیادین روانشناختی	-۰/۲۶	۰/۰۱
روان رنجوری	←	خرد	-۰/۵۸	۰/۰۱
برون گرایی	←	نیازهای بنیادین روانشناختی	۰/۲۲	N.S
برون گرایی	←	خرد	۰/۴۴	۰/۰۱
تجربه پذیری	←	نیازهای بنیادین روانشناختی	۰/۱۸	N.S
تجربه پذیری	←	خرد	۰/۳۳	۰/۰۱

همانطور که در جدول شماره(۲) مشاهده می شود همه عوامل شخصیتی بر خرد تاثیر مستقیم معنی دار دارند($P<۰/۰۱$)و فقط عامل روان رنجوری بر نیازهای بنیادین روانشناختی اثر مستقیم معنی دار دارد و بقیه معنی دار نیستند($P<۰/۰۱$). اثرات غیر مستقیم و با واسطه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با استفاده از آزمون بوت استراپ بررسی شد نتایج در جدول شماره(۳) گزارش شده است.

جدول شماره(۳): نتایج بوت استراپ برای بررسی اثر غیر مستقیم عوامل شخصیتی بر خرد از طریق متغیر واسطه ای نیازهای بنیادین روانشناختی

متغیر مستقل	متغیر واسطه	متغیروابسته	ضریب اثر غیر مستقیم	Sig
روان رنجوری	نیازهای بنیادین روان شناختی	خرد	-۰/۲۶	۰/۰۱

همانطورکه جدول(۳) بیانگر است عامل روان رنجوری با واسطه گری نیازهای بنیادین بر خرد تاثیر گذار بود. و برونگرایی و تجربه پذیری تاثیر گذار نبود. بررسی شاخص های برازندگی مدل پژوهشی در جدول شماره(۴) ارائه شده است.

جدول شماره(۴): شاخص‌های کلی برازش مدل ساختاری خرد برمبنای ویژگی های شخصیتی و نیازهای بنیادین روانشناختی

نام شاخص	چه زمانی مدل برازنده است؟	میزان در مدل	نتیجه
χ^2	معنی‌دار نباشد.	۵۶۵/۴۸ P < ۰/۰۰۰۱	برازنده نیست
χ^2/df	$۵<\chi^2<۱$	۳/۴۲	مدل برازنده
RMR	باید بزرگتر از ۰/۹ باشد.	۰/۸۱	تقریبا برازنده
GFI	باید برابر یا بزرگتر از ۰/۹ باشد.	۰/۸۷	تقریبا برازنده

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]

AGFI	باید برابر یا بزرگتر از ۰/۹ باشد.	۰/۸۲	تقریبا برازنده
RMSEA	اگر کوچکتر از ۰/۱ باشد.	۰/۰۸۲	مدل برازنده
NFI	باید بزرگتر از ۰/۹ باشد.	۰/۹۴	مدل برازنده
CFI	باید بزرگتر از ۰/۹ باشد.	۰/۹۶	مدل برازنده

جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که در اغلب شاخص‌های برازش مدل ساختاری خردمندی بر اساس ویژگی های شخصیتی و نیازهای بنیادین روانشناختی از برازش مناسب و مورد قبول و در برخی شاخص‌ها به طور تقریبی برخوردارند و در یک شاخص مدل برازش ندارد. درمجموع با توجه به همه شاخص‌ها می‌توان نتیجه گرفت که این مدل با داده‌های این پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر ارزیابی مدل علی برای تبیین خرد بر مبنای پنج عامل بزرگ شخصیت با نقش واسطه ای نیازهای بنیادین روان‌شناختی درمیان دانشجویان دانشگاه های‌استان گلستان بود.

بین عوامل شخصیت؛ یعنی متغیرهای روان رنجوری، برونگرایی، و تجربه پذیری و خرد رابطه وجود دارد. این یافته با یافته های کانوار و سهگال[1](۲۰۲۱)، استادینگر، دورنر ومیچل(۲۰۰۵)، لی و لونسون[2](۲۰۰۵)، همین طور یافته های مطالعات نف، رودز و کریکپاتریک[3] (۲۰۰۷)، و زاکر، مک کینا، رونی و گولد[4](۲۰۱۵)، قربانی و خرمایی(۱۳۹۷)، ملک محمدی، مشکانی و شیردل هاور(۲۰۱۹) که شخصیت را زیر بنای خردمندی می دانند همسو می باشد.

روان رنجوری با خردمندی رابطه معکوس دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که افراد روان رنجور در تصمیم‌گیری های خود، تکانشی و بدون تأمل عمل کرده و دچار عواطف ناسالمی چون اضطراب و گناه می‌گردند(تامارا و بنیت[5]، ۲۰۱۵) و در مقابله با مشکلات بیشتر به خشونت متوصل می‌شوند و کمتربه دنبال حل مسایل و درنظرگرفتن دیدگاه های جدید هستند. این افراد خلق و خوی متغیر و رفتارهای برانگیخته دارند و همین مسأله عاملی برای دوری از خردمندی می‌شود و زمانی که به آنچه می خواهند، نمی رسند با علم خودباوری، دچار تعارض و عصبانیت همراه با احساس یأس و ناکامی می‌شوند و در نتیجه با انجام اعمالی تکانشی همراه با باور به ناکارآمدی خود در مقابله با مشکلات از خردمندی دور می‌شوند.

در مورد ارتباط برون گرایی و خردمندی که رابطه مثبت و معنادار است، می توان گفت که یکی از ابعاد خردمندی کسب تجارب متعدد خصوصاً در موقعیت های حساس و بحرانی در پی شکل گیری بلوغ و بالا رفتن سن و همچنین برخورد با محیط های گوناگون است(وبستر[6]، ۲۰۰۷) هرچند خردمندی فقط انباشت تجارب نیست، بلکه تجارب چالش برانگیز می تواند رشد خردمندی را تسهیل نماید و خردمندی به تدریج در طول زندگی با تحریک بیشتر و مواجهه با چالش‌های مرتبط با سن افزایش می یابد. بر این اساس ویژگی تجربه اندوزی و شرکت در فعالیت های اجتماعی برون گرایان و داشتن رویکردی پر انرژی به جهان مادی و اجتماعی با مولفه های هیجان خواهی مثبت، گروه‌گرایی، فعال بودن، قاطعیت و جرات ورزی و صمیمی بودن، همراه با قاطعیت و جسارت برون گرایان می تواند بستری مناسب برای رشد و شکوفایی خردمندی باشد(تامارا و بنیت، ۲۰۱۵).

درباره ارتباط بین تجربه پذیری و خردمندی که رابطه مثبت و معنا دار است، می توان استدلال کرد که تمایل و علاقه به یادگیری در افراد خردمند مستمر و دایمی است(گرین و براون[7]، ۲۰۰۹). افراد تجربه پذیر در عین اینکه به دانسته های خود اعتماد دارند هرگز آنهارا کافی نمی دانند و انگیزه یادگیری در آنها همواره پایدار است. بنابراین افراد با نمره بالا در مقیاس تجربه‌پذیری با خصوصیات شرکت

1-Kanwar and Sehgal
2-Le and Levenson
3- Neff, Ruds and Kirickpatrik
4-Zacher, McKenna, Roony, & Gold
5- Tamara and Bennett
6-Webster
7-Green and Brawen

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]

سازنده در کسب دیدگاه های جدید و کسب تجارب در موقعیت های گوناگون عمل می کنند. تجربه پذیری می تواند باعث تقویت کسب دانش مرتبط با خردمندی در این گونه افراد را تسهیل نماید. بر این اساس تجربه پذیری می تواند مبنای رشد خردمندی دانشجویان قرار گیرد. در این پژوهش بین متغیرخردمندی و ویژگی های شخصیتی توافق پذیری و مسئولیت پذیری رابطه معناداری یافت نشد.

بین ویژگی های شخصیتی و نیازهای بنیادین روانشناختی رابطه معنی دار وجود دارد. از بین ویژگی های شخصیتی فقط روان رنجوری با نیازهای بنیادین رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. این یافته، با یافته های باتیا[1](۲۰۰۷)، بریک و ماونت[2](۱۹۹۳)، و انگلدو، مارکلند، و شپر[3](۲۰۰۴) که اکثر ابعاد شخصیتی مانند برون گرایی، تجربه پذیری، روان رنجوری، توافق پذیری، و مسئولیت پذیری با نیازهای بنیادین ارتباط دارند. همسو است. در پژوهش حاضر این یافته به طور کلی تایید نشد. این یافته با یافته های انگلدو و همکاران(۲۰۰۴) تا حدودی همسو است.

افراد با نمره روان رنجوری پایین قدرت خیلی زیادی برای کنترل تکانه های خود دارند که این باعث می شود فرد احساس شایستگی بیشتری نماید. از طرفی دیگر رابطه منفی بین روان رنجوری و نیازهای بنیادین بیانگر این مطلب است که افراد روان رنجور تمایل به تجربه عواطف منفی را بیشتر از بقیه افراد دارند(انگلدو، مارکلند، و شپر(۲۰۰۴).

بین ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی و خردمندی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. تا جایی که پژوهش گران اطلاع دارند هیچ مطالعه ای در این زمینه منتشر نشده است. ولی با مطالعات انجام شده در زمینه رابطه بین خردمندی و بهزیستی روان شناختی مانند بایلی(۲۰۰۹)، حصاری چاجی و زارع مقدم(۱۳۹۶) و آردلت(۲۰۰۳) همسو می باشد. همینطور با یافته های چن و جانگ(۲۰۱۰)، شلدون و نیمیک(۲۰۰۶)، و دیست و همکاران(۲۰۱۱) در زمینه رابطه نیازهای بنیادین و رضایت از زندگی هماهنگ و همسو می باشد. مطابق با نظریه خود تعیین‌گری دسی و ریان (۲۰۰۰) ارضای نیاز های بنیادین روان شناختی بر نتایج مثبت انگیزشی شناختی و رفتاری تاثیر گذار است. چنانچه نیاز ها به صورت مناسب ارضا شوند افراد به طور موثر رشد می کنند، اما اگر جلوی ارضای این نیاز ها گرفته شود افراد با احتمال بیشتری با ناهنجاری و عدم عملکرد بهینه مواجه خواهند شد. خردمندی به عنوان یک مزیت در ارتباط با ابعاد مثبت است و احساسات خوشایندی را ایجاد می کند و احساسات منفی را می کاهد(نف، رودز وکریکپاتریک، ۲۰۰۷). توانایی خردمندی قابلیت ارزیابی زندگی بر اساس مفاهیم عمیق است و به شیوه ای انجام می شود که برای خود و دیگران معنا دار به نظر برسد. خردمندی محصول دانش و تجربه، اما چیزی فراتر از انباشت اطلاعات است. خردمندی، هماهنگ سازی این اطلاعات و استفاده سنجیده از آن ها برای افزایش بهزیستی و سلامتی است. دربافت اجتماعی، خردمندی این اجازه را به افراد می دهد که به دیگران گوش کنند، آنچه آن ها می گویند را ارزیابی کنند و سپس توصیه های عاقلانه را ارائه کنند.

نتایج شاخص های کلی برازش که در جدول (۴) ارائه شده نشان می دهد که به طور کلی مدل ساختاری خردمندی براساس پنج عامل بزرگ شخصیت با نقش واسطه ای نیازهای بنیادین روانشناختی در میان دانشجویان از برازش مناسبی برخوردار است. این یافته با یافته های آردلت(۲۰۱۹)، گروسمان(۲۰۱۷)، تقریبا همسو می باشد. خرد مجموعه ای از ویژگی های شخصیتی است که حداقل در کوتاه مدت نسبتا پایدار است. بررسی تحول تاریخی خرد نیز زمینه را برای درک آن به عنوان یک ویژگی شخصیتی فراهم می کند، بسیاری از پژوهش های موجود حاکی از آن است که خرد با ویژگی های خاص شخصیتی بروز می کند(گروسمان، ۲۰۱۷). در تعاریفی از خرد که بر تلفیق شناخت و عاطفه تاکید دارند، رسیدن به خردمندی نیازمند تحولی است که در آن به طور جامعی شناخت، عاطفه و شخصیت به هم مرتبط شده اند. خردمندی نتیجه ترکیب منطقی عاطفه، شناخت و تجارب زندگی است. زمانی که تلفیق این ابعاد به قوت و انسجام رسید، فرد به خردمندی دست می یابد و خردمندی هم در او نمود پیدا می کند(آردلت، ۲۰۰۳).

با توجه به نتایج پژوهش حاضر به نظر می رسد که خرد می تواند یک ویژگی شخصیتی در نظر گرفته شود، چون توانسته با ویژگی های شخصیتی که تاکنون در اکثر پژوهش ها شناخته شده هستند رابطه داشته و از طریق آنها قابل پیش بینی باشد، این پژوهش علاوه بر معرفی مدل تبیینی از خرد توانست متغیرنیازهای بنیادین روان شناختی را به عنوان

1-Batia
2-Barick & Mount
3-Ingledew, Markland & Sheppard

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]

بخشی از مدل تبیینی خرد مورد توجه قرار دهد. همه این موارد گویای مساعدت پژوهش حاضر در جهت تکمیل بدنه ادبیات دانش در زمینه خردمندی است.

این پژوهش با محدودیت هایی همراه بوده است. تکمیل اینترنتی ابزار پژوهش، اجرای پژوهش فقط در میان جامعه دانشجویی. عدم کنترل برخی متغیرهای مداخله گر مانند وضعیت اقتصادی- اجتماعی فرد، استفاده از ابزار خودسنجی به عنوان تنها ابزار پژوهش ازجمله محدودیت های پژوهش حاضر بودند که در تعمیم نتایج باید لحاظ گردد. پیشنهاد می گردد پژوهش مشابهی در میان سایر جمعیت ها و با استفاده از ابزارهای دیگر مانند مصاحبه و با نمونه بزرگتر انجام گردد تا بتواند روابط جدیدتر را آشکار کند و نتایج گسترده تری را به دست دهد. نتایج به دست آمده از این پژوهش می تواند برای روان شناسان، مشاوران، معلمان و اساتید دانشگاه مفید باشد. گسترش چنین پژوهش هایی می توانند در گسترش و توسعه خردمندی در میان افراد جامعه موثر باشند.

منابع

انیسی، ج.، مجدیان، م.، جوشن لو، م.، و گوهری کامل، ز. (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نئو در دانشجویان. *مجله علوم رفتاری*، ۵، ۴، ۳۵۱-۳۵۶.

بشارت، م.، و رنجبر کلاگری، ا. (۱۳۹۲). مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان شناختی: پایایی، روایی و تحلیل عاملی. *فصلنامه اندازه گیری های تربیتی*، شماره ۱۴، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۲، ۱۴۷-۱۶۸.

ذبیحی حصاری، ن.، چاجی، م.، و زارع مقدم، ع. (۱۳۹۶). رابطه خردمندی با بهزیستی روان شناختی و سرزندگی تحصیلی در دانش آموزان. *پژوهش های تربیتی*، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ۲۰-۳۵.

قربانی، ر و یوسفی، ف. (۱۳۹۷). رابطه ساختاری خلاقیت و خردمندی در گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز. *فصلنامه روانشناسی شناختی*، ۶،۱، ۵۸-۶۸.

قربانی، ر.، و خرمایی، ف. (۱۳۹۷). بررسی مدل علی خردمندی: تبیین اثر شخصیت و خودکارآمدی مقابله. *پژوهش های روان شناسی اجتماعی*، شماره۳۱، ۳۳-۵۰ .

کرد نوقابی، ر. (۱۳۹۶). *روان شناسی خرد*. تهران ، انتشارات ارجمند.

مرادی، ش.، کردنوقابی، ر.، یعقوبی، ا.، و رشید، خ. (۱۳۹۷). تبیین خرد بر مبنای دارایی های تحولی و میانجی گری بالندگی(ارائه مدلی علی). *پژوهش در نظامهای آموزشی*، شماره ۴۱، تابستان، ۱۳۹۷، ۷-۲۵.

Ardelt, M. (2003). Empirical assessment of a three-dimensional wisdom scale. *Research on Aging, 25*(3), 275–324.

Ardelt, M. (2011). Wisdom, Age, and Well-Being. In K.W.Schaie&S.L.Willis(Eds.), *Handbook of the Psychology of Aging*.AP: Academic Press.

Ardelt, M., & Oh, H. (2010). Wisdom: Definition, assessment, and its relation to successful cognitive and emotional aging. In D. Jeste & C. Depp (Eds.*), Successful cognitive and emotional aging*, 87–113. Washington, DC: American Psychiatric Publishing.

Ardelt, M., Pridgen, S., & Nutter-pridgen, K. L. (2019). Wisdom as personality type. In R. J. Strenberg and J. Gluck (Eds.) *The Cambridge handbook of wisdom.* 144-16. Cambridge University press.

Barrack, M., and Mount, M. (1993). Autonomy as a mediator of the relationships between the big five personality dementions and job performance. *Journal of Applied Psychology*, 78, 111-118.

Batia, A. (2007). *Relationship Among personality, self-determination and exercise behavior*. Ph.D dissertation university of Florida.

Bergsma, A., &Ardelt, M. (2017). Self-reported wisdom and happiness: An empirical investigation. *Journal of Happiness Studies, 13*(3), 481–499.

Busch, T. (2016). Does self-Compassion buffer the impact of poor basic need satisfaction on organismic well-being? *Master`s thesis. Department of psychology, Health and technology.* University of Twente, the Netherlands.

Chen, B., Vansteenkiste, M., Beyers, W., Boone, L., Deci, E. L., Vander kaap-Deeder, J., Duriz, B., Lens, W., Matos, L., Mouratidis, A., Ryan, R. M., Sheldon, K. M., Soenens, B., Vanpetegem, S., Verstuyf, J. (2015). Basic psychological need satisfaction, need frustration and need strength across four culture. *Motivation and Emotion.* 39: 216-236.

Deci, E. L., Olafsen, H. A. & Ryan, R. M. (2017). Self determination theory in work organizations: the state of a science. Annual Review of organizational psychology and organizational behavior, 4, 19-43.

Deci, E., L. & Ryan, R. M. (2000). The What and Why of goal pursuits: human needs and the self-Determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]

Diseth, A., Danielsen, A. G., & Samdal, O. (2012). Self-efficacy, achievement goals, life satisfaction and academic achievement level among secondary school students. *Educational psychology*, 32, 335-354.

Gagne, M. (2003). The role of autonomy support and autonomy orientation in prosaically behavior engagement. *Motivation and Emotion, 27*, 199-223.

Greene, J. A. & Brown, S. C. (2009). The wisdom development scale: Further validity investigating. *International Journal of Aging & Human Development, 68*(4), 283-320.

Grossman, I. &Brienza, J. P. (2018). The strength of wisdom provide unique contributions to improved leadership, sustainability inequality cross national happiness and civic discourse in the face of contemporary problems. *Intelligence,*6(22), 1-16.

Ingledew, D., Markland, E., and Sheppard, E. (2004). Personality and self-determination of exercise behavior. *personality and individual differences*, 36,1921-1932.

Johnston, M., and Finney, S. (2010).Measuring basic needs satisfaction: Evaluating previous and conducting new psychometric Evaluation of basic need satisfaction in general scale. *Psychology of export and exercise.* 11, 91-99.

Kanwar, M. &Sehgal, M.(2021). Virtuous qualities and personality traits of wise individuals. *International Journal of Behavioral Sciences.*14(4), 185-190.

Karelitz, T., Jarvin, L., & Sternberg, R. (2010). The meaning of wisdom and its development throughout life. In W. Overton & R. Lerner (Eds.), *The handbook of life-span development (Vol. 1).* Hoboken, NJ: Wiley.

Kline, R. B. (2016). Principles and practice of structural equation modeling (3rd Ed). *New York, London: Guilford press*.

Le, T., &Levenson, M. (2005). Wisdom as self-transcendence: What's love and individualism got to do with it? *Research in Personality, 39* (4), 443- 457.

Malekmohammadi, H., Moshkani, M., ShirdelHavar, E. (2019). The wisdom prediction on personality factors in Youth. *International journal of schooling. 1*(2), 13-22.

McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1992). A five factor theory of personality. In L. A. Pervin (Ed.), *Handbook of personality: Theory and research*, 139-153. New York: Guilford Press.

Neff, K. D., Rude, S. S., & Kirkpatrick, K. L. (2007). An examination of selfcompassion in relation to positive psychological functioning and personality traits. *Journal of Research in Personality, 41*(4), 908–916.

Nishimura, T. & Suzuki, T. (2016). Basic Psychological need satisfaction and frustration in Japan: controlling for the big five personality traits. Japanese Psychological Research, 58 (4), 320-333.

Sheldon, K. M., & Niemiec, C. P. (2006). It`s not just the amount that counts: Blanced need satisfaction also affects well-being. Journal of personality and social psychology, 91, 331-341.

Staudinger, U. M. Dorner, J. Mickler, C. (2005).Wisdom and personality In Sternberg, R. J. Jordan, J. (Eds.), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives* , 191– 219. New York: Cambridge University Press.

Staudinger, U. M., & Gluck, J. (2011). Intelligence and wisdom. In R. J. Sternberg & S. B. Kaufman (Eds), *The Cambridge handbook of wisdom*, 827-846. New York: Cambridge University Press.

Strenberg, R., J., and Kaufman, J. C. (Eds). (2018). *The nature of human creativity*. New York, NY: Cambridge University Press.

Taylor, M., Bates, G., & Webster, J. D. (2011). Comparing the psychometric properties of two measures of wisdom: predicting forgiveness and the three demesional wisdom scale (3D-WS). Experimental aging research, 37(2), 137-141.

Walsh, R., & Reams, J. (2016). Studies of wisdom: A special issue of integral review. *Integral Review*, 11 (2), 1-6.

Webster, J. D. (2007). Measuring the character strength of wisdom. *Aging and human*, 65, 163-183.

Yamagata, S., Suzuki, A., Ando, J., Ono, Y., Kijima, N., Yoshimura, K.,& Jang ,K. L.(2006). Is the genetic structure of human personality universal? A cross-cultural twin study from North American, Europe, and Asia. *Personality and Social Psychology*, 90, 987-998.

Yang, S. (2011). Wisdom displayed through leadership: Exploring leadership-related wisdom. *The Leadership Quarterly*, 22, 616-631.

Yang, S.-Y. (2008). Real-life contextual manifestations of wisdom. *International Journal of Aging & Human Development, 67*(4), 273–303.

Zacher, H., McKenne, B., Roony, D. and Gold, S. (2015). Wisdom in the military context. *Military Psychology*, 27, 3, 142-154.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.7.9]